

وقتی که پدرم رئیس شرکت منطقه‌ای نفت ایران و انگلیس در خوزستان بود



***مجتبی گهستونی

در مصاحبه‌ای که با داریوش بوربور داشتم او معتقد بود؛ تحقیقاتی که من در مورد معماری نقاط گرم و خشک کردم شامل یکسری آب و هواهای دیگر نقاط هم می‌شد. در هر حال باعث شده که من توجه خاصی در کارهای ساختمانی چه در نقاط گرم و خشک و چه در نقاط دیگر محیط زیستی داشته باشم. سعی کردیم که در واقع ساختمان با شرایط آب و هوایی هر جایی که ساخته می‌شود هماهنگی داشته باشد. من در نقاط مختلف آب و هوایی از جمله در خوزستان، تهران، مشهد، شمال ایران با سه نوع آب هوای متفاوت ساختمان طراحی کردم.

از داریوش بوربور به عنوان فردی پیشکسوت و تأثیرگذار در معماری و شهرسازی مدرن یاد می‌کنند و فردی بنیادین در تأسیس و تحول شورای عالی شهرسازی (در سال ۱۳۴۵) به حساب می‌آورند. داریوش بوربور، معمار، شهرساز، طراح، مجسمه‌ساز، نقاش، پژوهشگر و نویسنده متولد ۷ اردیبهشت ۱۳۱۳ است.

در سال ۱۳۴۳ دفتر مهندسی خود را بنام «مهندسین مشاور بوربور» بنیان‌گذاری نمود، و از بدو شروع به کار حرفه‌ای، سبک نوین معماری وی مورد توجه صاحب نظران برجسته بین‌المللی قرار گرفت. «آنتونی کرافت» تحلیلگر معروف معماری سوئیس از او به عنوان «یکی از پیشگامان معماری مدرن که احتمالاً در راه بوجود آوردن سبک معماری قرن بیستم ایرانی است» نام برد. همچنین «میشل راگون» نویسنده فرانسوی اثرگذار در هنر و معماری (۱۳۵۲) از او به عنوان «معمار در

در چه سالی طرح ساختمانی که بعداً به سازمان زنان اهواز معروف شد را تهیه کردید و کاربری اولیه



آن چه بود؟

طرح ساختمان سازمان زنان اهواز در سال ۱۳۴۵ در زمان استانداری آقای عبدالرضای انصاری که هم استاندار بود و هم رئیس سازمان آب خوزستان مطرح شد. بسیار آدم خوش فکر و فعالی بود که بعدها وزیر کشور شد. با وجود اینکه ما آشنایی هم با ایشان نداشتیم ولی ایشان شنیده بود که ما طرح‌های جالبی را انجام می‌دهیم از ما درخواست کرد که یک سفر به اهواز داشته باشیم تا قرارداد طراحی یک پارک را در اهواز ببندیم. وقتی ما به اهواز رسیدیم قرار شد که قرارداد با شهرداری مشهد بسته شود. اما در همان سفر تصمیم گرفتند که طرحی برای ایجاد ۳ پارک تهیه شود. پارک اولی که ما قراردادش را بستیم همین مکانی است که به پارک بانوان معروف شد که قرار بود ساختمان زنان هم در آن ایجاد شود. از اول هم این ساختمان به منظور سازمان زنان طراحی و برنامه‌ریزی شده بود.

تا آن زمان شما به اهواز سفر کرده بودید؟ بعدها هم سفر کردید؟

پدرم چندین سال رئیس شرکت منطقه‌ای نفت ایران و انگلیس در خوزستان بود. مرکز این شرکت در اهواز بود. من سال چهارم ابتدایی

به اهواز رفتم و در آنجا درس خواندم. از این جهت آشنایی من با اهواز و خوزستان به ۸۰ سال پیش برمی‌گردد. من به غیر از آن در قبل و بعد از انقلاب سفرهای دیگه‌ای هم به اهواز داشتم.

در حال حاضر پیشنهاد شما برای کاربری بهتر دادن به این بنا چیست؟

من فکر می‌کنم شاید بهترین کاربری برای این ساختمان همان استفاده اصلی‌اش باشد. می‌توانند سازمان بانوان بسیار آبرومند و خوبی ایجاد کنند. برای ایجاد موزه بانوان و حتی کتابخانه هم حاضرم همکاری داشته باشیم تا مجدد احیا شود. منتها من از عکس‌هایی که خود شما گرفتید و آنها را دیدم وضع کلی پارک به صورت نامطلوبی نگهداری شده و در واقع آن ساختمان هم باید مرمت شود و آن پارک بر اساس طرحی که ما دادیم اصلاح شود. طرحی که ما دادیم بسیار طرح جامع، قابل استفاده، قشنگ و بسیار مناسب از انواع لحاظ از جمله محیط زیست است. از این جهت من پیشنهاد می‌کنم که شهرداری با همکاری ما آنجا را کاملاً نوسازی کند و به صورت آبرومندی برای بهره‌برداری تمام شهروندان اهوازی در اختیار آنان بگذارد.

آیا سابقه انجام کارهای دیگری در خوزستان دارید؟

کارهایی که ما در خوزستان انجام دادیم زیاد بوده است. شامل طرح جامع آبادان، طرح جامع خرمشهر، طرح جامع منطقه آبادان و خرمشهر، طرح جامع بهبهان، طرح چهار پارک در اهواز، طرح مسجد در اهواز، طرح سازمان بانوان اهواز، طرح ترمینال مسافری در خرمشهر و طرح نمادی برای شهر آبادان و همچنین مجموعه ساختمانی برای شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، NIPC شامل: مرکز اداری، مرکز مهندسی، مرکز آموزشی، استخر، یک ساختمان آمفی تئاتر و کافه تریای بسیار بزرگ که در هر مرحله ۱۰۰۰ نفر را می‌توانست جایگاه باشد و یک آشپزخانه بسیار مفصل و انبارهای مواد غذایی در

موارد مختلف و با درجه‌بندی برودت‌های مختلف برای نگهداری انواع مواد خوراکی که تمام اینها به دلیل کمبود در جنوب از تهران حمل می‌شدند به سمت ماهشهر و می‌بایست در این سردخانه‌هایی که ما در این ساختمان تعبیه کرده بودیم نگهداری می‌شد.

من وقتی ساختمان فعلی و عکس‌های قدیمی که در اختیار داشتم و طرح‌هایی که شما بعداً برای من فرستادید را بررسی کردم متوجه شدم بخشی از بنا که سالن اجتماعات است وجود ندارد. چرا؟

طبق یکی از عکس‌هایی که شما برای من فرستادید و در یک کتاب چاپ شده بود وقتی بلوار جلوی این ساختمان رو داشتن می‌ساختن در آن عکس به نظر می‌آید که ساختمان به صورت کامل اجرا شده بود. اگر سالن اجتماعاتش الان وجود نداشته باشد شاید بعداً تخریب شده باشد.

وجه تمایز طرح سازمان زنان اهواز با دیگر طرح‌های شما چی بود؟

در کلیه طرح‌هایی که در ساختمان‌های مختلف می‌دادیم سعی نمی‌کردیم که روی یک سبک معماری تأکید داشته باشیم و در این مورد زیاده‌روی نکنیم. برای هر ساختمانی که برای طراحی به ما رجوع می‌شد مطالعات اولیه آب و هوایی و موقعیت محلی را انجام می‌دادیم. به همین دلیل اگر که کسی به طرح‌های معماری که ما دادیم رجوع کند مشاهده خواهد کرد که با طرح‌های دیگه متفاوت دارد. اما طرح سازمان زنان اهواز در زمان خودش بسیار نوین و قابل توجه بود و تا به اکنون همان وجهه خویش را حفظ کرده است.

شما توجه راه‌بردی عمیقی نسبت به تلفیق در هم‌جواری معماری سنتی و معماری نو داشته اید و در این زمینه تلاش‌های زیادی کرده اید. اما چرا در بین خواص و عوام درک توجه به این بخش از معماری و شهرسازی سخت است؟



کاملاً همین طور هست. طرح حرم حضرت رضا در مشهد یک طرح بسیار جالب و بسیار جنگالی بود و هنوز هم هست. علت اینکه این طرح در جوامع بین‌المللی بسیار مورد توجه، نظر و تعریف قرار گرفته و در ایران برعکس بوده دلیلش خیلی روشن است. و دلایلش این است که افرادی راجع به طرح ما در مشهد اظهار نظر کردند که اغلب خودشان ذینفع بودند. خیلی از این معماران و شهرسازها راغب بودند و سعی داشتند که این طرح را از دست ما بگیرند و طرح را خراب بکنند و خودشان طرح جایگزین بدهند.

مثلاً چه کسانی؟

آقای «کامران دیبا» یکی از افراد بود. کامران دیبا وقتی دیپلم معماری را از یک دانشگاه متوسطی در آمریکا گرفته بود و بعد که به ایران آمد یک بوتیک باز کرد. کامران دیبا قبل از اینکه فرح پهلوی ملکه شود اصلاً فکر اینکه کار معماری انجام بده نبود. شخص دیگر مهندس «سردار افخمی» بود که طراحی معماری انجام نمی‌داد ولی کارهای طراحی لباسش انصافاً خوب و ارزنده بود. و یک سری افراد هم معمارهای خارجی دعوت می‌کردند که راجع به طرح ما اظهار نظر کنند که خود اون‌ها هم اغلب با یک معمار ایرانی شریک بودند یا قرار بر این داشتند که اگر این کار گرفته شد با اون معمار ایرانی این کار رو انجام بدهند. یکی از آنها یک معمار بسیار معمولی به نام «پوترز» از سوئد بود که من نمیدانم وابستگی به کدام یک از این معمارها داشت. یکی دیگر از این افراد «اکو شار» فرانسوی بود که وابستگی به آقای «خازنی» داشت. افراد زیادی تلاش کردند که از طرف دولت و شورای عالی شهرسازی این طرح را از دست ما بگیرد و به آقای خازنی بدهند. تبلیغات زیادی بر علیه این طرح صورت گرفت. حتی برخی که از محتوای طرح اطلاعی نداشتند شروع به مخالفت کردند. اکنون بعد از گذشت نیم قرن عده‌ای در مشهد و خارج از مشهد صحبت از تخریب بافت اطراف حرم می‌کنند.